

پاورقی (۱۵)

رقتصده بامار

دایان دوکریه . ترجمه: محمدعلی عسگری



در اینجا همچنین می‌شد مسایل مربوط به سیاست‌های روز را به صورت داغ‌داغ از چاپخانه‌های محل گرفت و در پشت میزهای قهوه‌خانه اصلی محله مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یک‌بار دیگر خاطرات سالاراز در سال۱۹۳۱ با نوشته‌ای ظریف از ماریا تمام می‌شود: «همچنین و تا ابد: بیشتر از دیروز و کمتر از فردا.» عشق آنها در پرتو دیدارهای هتل بورگس فرونی می‌گرفت. سال۱۹۳۲، همان زن در صفحه مربوط به ۳۱ژانویه دوباره نشانه‌ای گذاشت که بر عشق‌اش تاکید و آن سال را رمانتیک توصیف می‌کرد. نوشت: «همان‌طور که در دعا‌های دوران کودکی‌ام می‌خواستم، دوباره تکرار می‌کنم: در قلب من هیچ‌کسی نیست، دوست من! آنجا برای توست…».

سال بعد، داستان به‌صورت ضمنی مسیر خودش را پیمود. سالاراز نمی‌توانست بپذیرد این روند به خاطر داشتن رابطه علنی با یک زن خراب شود. بنابراین از اشتیاقش کاست. ماریا برای او نوشت: «این غیبت طولانی باید به‌صورتی را یک مرگ درمی‌آید.» این مستند جدید سال۱۹۳۳ را بهانه کرد تا تهیه یک قانون‌اساسی را در کشور کلید بزند. لیال مارکوس، رئیس دفترش را مامور کرد به فاشیست‌های ایتالیا نزدیک شده و الگویی از یک پلیس سیاسی جدید را در اختیار او بگذارد؛ مجموعه‌ای تحت عنوان پلیس هوشیاری و دفاع از دولت «PVD»؛ نیرویی که کارش را با تحت‌تعقیب قراردادن مخالفان نظام شروع کرد. سالاراز ابزار سرکوب تمامیت‌خواهی‌اش را پیدا کرده بود؛ ابزاری که به او امکان آن را می‌داد تا مردم را کنترل کند. مساله‌ای که مانع دیدارهای گذرای او نمی‌شد. در یکی از روزهای ژانویه بود که در دفتر خاطراتش قراری را ثبت کرد: ساعت چهار بعدازظهر، هتل بورگس. حساب همه چیز را داشت. حتی اینکه مدت این قرار فراتر از دوساعت نمی‌رفت.

سال۱۹۳۴، در آن آپارتمانی که ماریا لورا ترنیشش کرده بود، طبق معمول شام را در عید اول سال جدید با هم صرف کردند. اما این آخرین دیدار آنها پیش از بازگشت ماریا به مادرید بود. در دفتر خاطرات سالاراز نکته تلخ و غم‌انگیزی نوشت: «هیچ چیز بدتر از جدایی نیست؛ به‌خصوص اگر از آن هیچ خبری نداشته باشی…» این درد، قلب را سخت مجروح می‌کند.» طی چهارسال متوالی، این خواهرزاده پیانو زن که کومبرا، احساسات آن وزیر و سپس آن دیکتاتور را به‌خصوص در ایام یابانی سال به‌شدت شعله‌ور کرد.

زبانه‌های جنگ جهانی دوم داشت به پرتغال می‌رسید. از طنجه بود که ژنرال فرانکو به جمهوریخواهان اسپانیا حمله‌ور شد. بلافاصله مادرید، پایتخت این کشور بمباران شد؛ اتفاقی که ماریا لورا و همسرش را مجبور کرد به اسپیلیه بروند؛ جایی که سالاراز تلاش کرد یک مقام رسمی برای همسر معشوقه سابقش پیدا کند؛ ابزاری ماهرانه برای دستیابی به ماریا لورا و درعین‌حال منت‌گذاشتن بر سر او. قصد واقعی‌اش این بود که این وسیله بتواند تمام نامه‌هایی را که برای او فرستاده بود، بازگرداند. ماریا هنوز در شهر مستقر نشده بود که سالاراز حیاتی به اسپانیا فرستاد تا آثار مربوط به ردپای گناهانش را جمع‌آوری کند. ۲۷ سپتامبر سال ۱۹۳۴ بود. تقریباً شش‌ماه از جدایی بین سالاراز و ماریا لورا می‌گذشت. آن مرد چرب‌زبان سانتاکومبا که حالا دیگر رئیس مجلس شده بود، در دفتر خاطراتش یک نامه خیلی خاص را نگه‌داشته بود؛ نامه‌ای که روی یک‌کاغذ متعلق به دکان شیرینی‌فروشی مارکاز نوشته شده بود. روی آن می‌شد اینها را خواند: «از خانه خارج نشدم. منتظر ماندم. آیا می‌آیی که روز یکشنبه تو را ببینم؟ دیگر تحمل این انتظار را ندارم! ایلیا خیلی چیزها دارم که به تو بگویم. اینجا چیزهایی هست که جز با صدای آهسته نمی‌توان بیان کرد. امیلیا.»

امیلیا، زن تازه‌ای بود که در هتل بورگس با او آشنا شده بود؛ خانمی که به‌شدت تلاش می‌کرد هویت خود را آشکار نکند. تقریباً ۳۷ سال داشت. امیلیا به‌صورت یک‌زن مستقل زندگی می‌کرد. همین مساله آنتونیو را بر آن می‌داشت تا از او بخواهد که هیچ‌گونه ارتباط با تعهدی نسبت به او نداشته باشد. هرود از همان ابتدا با هم توافق کردند هیچ‌یک از دیگری چیزی را نخواهد که در حد توانش نیست.

مدت کوتاهی بعد از این دیدار، امیلیا داستان را برای «دوستن ترزا که یک هنرپیشه اهل لیسبون بود چنین تعریف کرد: او داشته به کاخ «سانو بانسو» - کاخ سالاراز - می‌رفته تا شب را آنجا بگذرانند. در این تردیدی نکرد که ممکن است سرخواهر ترزا یعنی «لوئیس ده اولیورا نونس» که ۹ سال داشت، صدای آنها را شنیده باشد. روز بعد دوستش با کنجاوی ماجرا را پرسید. امیلیا جواب داد: «آه، در آخر من را امید کرد، چون او هم مثل بقیه مردهاست.» بعد برایش شرح داد که خیلی عجله داشته و اینکه «نه دقت کرده و نه دوری زده و خودش را از مقدمات معاف کرده است.»

ادامه دارد

دولتمردان ترکیه روز شنبه سرخوش از پیام اوچالان، گمان می‌کردند بدون سروسامان‌دادن به زیرساخت‌های دموکراتیک، توانسته‌اند سلاح را از جنگ جنگجویان حزب کارگران کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک) بیرون بیاورند. بسیاری درخواست اخیر اوچالان، رهبر درند پ‌ک‌ک از شبه‌نظامیان این گروه مبنی بر زمین‌گذاشتن سلاح‌هایشان را گامی بزرگ در راستای مذاکرات صلح تلقی کردند، اما شبه‌نظامیان پ‌ک‌ک روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای تاکید کردند دولت ترکیه باید ابتدا گام‌هایی را برای پیشبرد دموکراسی برداشته و طرح جنجالی امنیتی را از پارلمان بازپس بگیرد. بیانیه شبه‌نظامیان پ‌ک‌ک در پاسخ به درخواست اوچالان منتشر شده است. اوچالان از شبه‌نظامیان پ‌ک‌ک خواسته بود تا با برگزاری نشست فوق‌العاده در بهار، مخصوص پایان‌دادن به مبارزه مسلحانه، تصمیم‌گیری کنند. سری ثریا اوندر، نماینده استانبول در مجلس ملی ترکیه که اصالتا کرد است، عصر شنبه پیام اوچالان را در تلویزیون ترکیه خواند. به گفته او پیام اوچالان؛ پایان‌دادن به جنگ ۳۰ساله در قالب صلحی پایدار و از راهی دموکراتیک است.

با تأسیس حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱ میلادی، مساله کردها و چندوچون مقابله با تهدیدات پ‌ک‌ک نیز وارد فاز جدیدی شد. از آن زمان تاکنون، در چندنوبت، بین دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه و رهبر زندانی پ‌ک‌ک و دیگر سران این حزب، مذاکره صورت گرفته و آخرین‌دور این مذاکرات که از اواخر سال ۲۰۱۲ آغاز شده، تاکنون ادامه دارد. از آن زمان تاکنون بحث‌ها برای خلع سلاح پ‌ک‌ک هیچ‌گاه به نتیجه‌ای نرسیده است. سران پ‌ک‌ک در کوهستان قندیل بر این باورند که هنوز چنین زمینه‌ای به وجود نیامده و نمی‌توانند سلاح‌های خود را بر زمین بگذارند. آنان معتقدند حزب عدالت و توسعه در حال تعلل و وقت‌کشی است و نمی‌خواهد برنامه روشن و واقعی خود، برای پایان‌دادن به مشکلات موجود

را اعلام کند. آنها بر این باورند که حزب عدالت و توسعه قصد دارد همه‌چیز را در یک فضای سیاسی و حزبی به نفع خود پیش ببرد و به‌دنبال آن است پیروزی در انتخابات سراسری سال جاری میلادی را به هدفی تبدیل کند که به‌مراتب حیاتی‌تر و مهم‌تر از به فرجام‌رساندن مذاکرات صلح است. اما اگرچه شبه‌نظامیان پ‌ک‌ک درخواست پایان‌دادن به مبارزه مسلحانه را رد کرده‌اند، اما عملا مدت‌هاست که آنها سلاح‌های خود را غلاف کرده‌اند. اوچالان در سال ۲۰۱۳ آتش‌بس اعلام کرد و از نیروهای پ‌ک‌ک خواست برای پیشبرد صلح در ترکیه به کردستان عراق عقب‌نشینی کنند. آتش‌بس هنوز به قوت خود باقی است اما چندماه پس از پیام اوچالان، برخی از فرمانده‌های پ‌ک‌ک از عقب‌نشینی خودداری کرده و گفتند نیروهای

جهان



پیشبرد دموکراسی شرط اصلی خلع سلاح

نه «پ‌ک‌ک» به اوچالان

ارتش ترکیه و دولت ترکیه هنوز هیچ گامی برای جبران گذشته برنداشته‌اند. پس از سده‌ده نبرد دوطرف، به نظر می‌رسد هنوز زمان صلحی دایم و پایدار فرا نرسیده است. پ‌ک‌ک هیچ‌گاه در نبرد زمینی در داخل ترکیه موفق نبوده و بزرگ‌ترین دستاورد این جنبش زنده‌ماندن در میان سرکوب‌های شدید بوده است. این حزب سال ۱۹۷۸ از سوی اوچالان و به‌عنوان حزبی مارکسیست–لنینیست تأسیس شد و سال‌های زیادی با شورش‌های مسلحانه علیه دولت ترکیه که کردها را به‌عنوان ملیتی جدا به رسمیت نمی‌شناخت، به دنبال تشکیل دولت جداگانه‌ای برای کردها بود. از همان آغاز مبارزات کردها، دولت و نیروهای امنیتی ترکیه با دستگیری‌های گسترده، اعدام و جوخه‌های مرگ به انتقام برخاستند. در دهه ۹۰

محدودیت برای دیپلمات‌های آمریکایی



نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا، از محدودکردن شمار دیپلمات‌های آمریکایی در کاراکاس خبر داده است. به گفته مادورو، شهروندان آمریکایی باید برای سفر به ونزوئلا ویزا بگیرند و فهرستی از سیاستمداران که ورودشان ممنوع است به اجرا در می‌آید. ***(بی‌بی‌سی)***

فاشیسم بر پاشنه اروپا

مهاجرت» قابل تحقیق خواهد بود. او درحالی از رویای اروپایی نوین که در آن با ناک‌ها اهمیت کمتر از شهروندان و کسب‌وکارهای کوچکشان دارند، سخن می‌گفت که حزب متبوعش خواستار اخراج مهاجران غیرقانونی و توقف روند کم‌کمرسانی به مهاجراتی است که در سودیا دستیابی به زندگی بهتر، اغلب طعمه موج‌های خروشان دریای مدیترانه می‌شوند، اما سالوینی و حزب مجمع شمال که امید دارند در انتخابات منطقه‌ای سال جاری به پیروزی قابل‌توجهی دست یابند، دست‌کم در عرصه خیابان، جدال را به مخالفان چپ‌گرای خود باخته‌اند. آنان که پس از قدرت‌نمایی در نظرسنجی‌ها و پیشی گرفتن از حزب راست میانه سلیویو برلوسکونی، نخست‌وزیر سابق ایتالیا، روز شنبه قصد تسخیر خیابان‌ها را داشتند، تنها چندصدمتر آن‌سوتر با حدود ۲۵هزار معترضی روبه‌رو بودند که با نژادپرستانه‌خواندن مواضع ضدمهاجرتی آنها، شعار «با سالوینی، هرگز» را سر می‌دادند. این صف‌آرایی هم‌زمان در شمال قاره سبز و

می‌شود. مرکز شهر رم، پایتخت ایتالیا، روز شنبه شاهد حضور راهپیمایانی بود که در حمایت از سیاست‌های ضدمهاجرتی حزب مجمع شمال و مواضع مخالف آن با اتحادیه اروپا، به خیابان آمده بودند. راهپیمایان که شمار آنان بنابر ادعای سازمان‌دهندگان تجمع، به ۱۰هزارنفر می‌رسید، بیش از همه خواستار استعفا ی ماثو رنزی، نخست‌وزیر کنونی ایتالیا، بودند. این درحالی است که سالوینی ۴۱ساله که خود را میراث‌دار مارین لوپن، رهبر راست‌گرایان افراطی «جبهه ملی» فرانسه می‌داند، دشمن واقعی را نه رنزی، بلکه افرادی بی‌نام‌ونشان می‌داند که از بروکسل، نه‌تنها نخست‌وزیر ایتالیا بلکه تمامی ایجاد زندگی شهروندان این کشور را در سطره خود گرفته‌اند. سالوینی که روز شنبه در میدان پوپولو (مردم) خطاب به هواداران خود سخن می‌گفت، از عزم خود برای احیای اقتصادی کشورش خبر داد؛ «نه به حوزه یورو، بازپس‌گیری استقلال پولی و توقف

دی‌ان‌ای سیاست خارجی آلمان

فرانک والتراشتاین‌مایر، وزیر خارجه آلمان

ترجمه: بهزاد احمدی‌لوگرکی

قدرت‌عمل دولت‌ها را محدود می‌کنند. در دنیای جهانی‌شده، افراد زیادی به‌دنبال پاسخ‌های روشن هستند. در بحران‌های پیش‌رو، سیاست خارجی آلمان باید تمرکز خود را روی سازش، میانجی‌گری و پیشگیری و در شرایط ناچاری روی کنترل آسیب متمرکز کند. آلمان می‌خواهد در این حوزه‌ها در سطح بین‌المللی اقدامات بیشتری انجام دهد. برای این‌کار ما باید ابزارهای موجود را آماده کنیم و ابزارهای جدیدی را از مکانیزم‌های هشدار زودهنگام گرفته تا ابزارهای پیشرفته همکاری بین‌المللی به کارگیریم. ما بررسی خواهیم کرد که بینیم چگونه می‌توانیم به شکل چشم‌گیری به سازمان‌ملل در حفظ و ایجاد صلح کمک کنیم. ما باید به این سوال سخت که ابزارهای نظامی برای تحقق راه‌حل‌های سیاسی، ضروری هستند یا نه، با خویشتن‌داری و آینده‌نگری بیشتر پاسخ دهیم و تنها به گفتن «نه» بسنده نکنیم. اما سیاست خارجی نباید تنها روی بحران‌ها متمرکز شود. این سیاست باید برای سناریوهای آتی آماده باشد و از آنجا که آلمان همانند چندکشور معدود دیگر به بقیه دنیا متصل است، تعهد به یک‌نظم بین‌المللی عادلانه، صلح‌آمیز و انعطاف‌پذیر، از منافع بنیادین سیاست خارجی آن خواهد بود. این یعنی آلمان باید خود را با تغییرات درازمدت در پارامترهای نظم فعلی تطبیق دهد، تغییراتی که بیش از هرچیز ناشی از خیزش سریع چین است. در اثر تغییر صفحات بنیادین سیاست جهان، آلمان ناگزیر است تا در تعریف کمک‌هایش به حفظ ساختارهای فعلی نظم بین‌المللی و ایجاد ساختارهای جدید، دقیق‌تر باشد. ما باید درباره راه‌های حفاظت از دارایی‌های ارزشمند عمومی یعنی دریاها، فضا و اینترنت عمیق‌تر فکر کنیم. در نتیجه ما باید بین تقویت ساختارهای حیاتی و سازمان‌هایی نظیر سازمان‌ملل‌متحد از یک‌سو و خلق منجرها و ابزارهای جدید سازمانی برای به حداقل‌رساندن

ارتش ترکیه حدود سه‌هزار روستای کردنشین را نابود کرد و حداقل یک‌میلیون روستایی کرد هم از خانه‌های خود بیرون رانده شدند. شکنجه‌های وحشیانه و قرون وسطایی هم بخش اجتناب‌ناپذیر دوره حبس زندانیان کرد بود. زندانیان آن دوره می‌گویند برای فرار از شکنجه مجبور بودند فریاد بزنند: «افتخار می‌کنم که ترک باشم «و» ترک به همه دنیا می‌ارزد». در درگیری‌های سده‌ده گذشته بین نیروهای ارتش ترکیه و شبه‌نظامیان پ‌ک‌ک، بیش از ۴۰هزارنفر که بیشتر آنها کرد بودند، کشته شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین اتفاقات در مساله کردهای ترکیه، دستگیری عبدالله اوچالان در ۱۵فوریه۱۹۹۹میلادی بود. او که در عملیاتی ویژه دستگیری به ترکیه تحویل داده شد، از همان زمان تاکنون در زندانی در جزیره امرالی دوران محکومیت حبس ابد خود را سپری می‌کند. بسیاری از نیروهای امنیتی ترکیه گمان می‌کردند دستگیری اوچالان در سال۱۹۹۹ به فروپاشی پ‌ک‌ک منجر می‌شود، به این‌حال وی از زندان هدایت پ‌ک‌ک را به پیش برد، او که به رهبری تندخو معروف بود، پس از به زندان افتادن برای کردها نمادی از درد و رنج و مقاومت شد.

پ‌ک‌ک حالا نماد مصمم‌بودن کردهای ترکیه برای پاسداری از هویت و ایستادگی برای رسیدن به حقوق سیاسی و اجتماعی است. در طول سده‌ده گذشته بسیاری از مقامات کردی، روزنامه‌نگاران، کارگران و فعالان حقوق بشر به زندان افتاده‌اند. شاید ۱۰سال پیش به نظر می‌رسید پ‌ک‌ک منزوی شده اما حوادث سال‌های اخیر نشان می‌دهد به‌دلیل قدرت سازمانی، این حزب همچنان از حمایت مردمی برخوردار است. در پی اسکان‌های پس از جنگ جهانی اول، کردها ناپدید گرفته و به بزرگ‌ترین اقلیت بی‌کشور تبدیل شدند. حالا اما به نظر می‌رسد در قرن بیست‌ویکم، ۳۰میلیون کرد منطقه اوضاع و احوال نسبتاً بهتری دارند.

خودکشی متحدرئیس جمهور سابق اوکراین



میخایلو چتئوف، قانون‌گذار سابق اوکراین و متحد «ویکتور یانوکوویچ»، رئیس‌جمهور سابق این کشور، خود را از طبقه هفدهم آپارتمانی به پایین پرتاب و خودکشی کرد. او به سوءاستفاده از قدرت و تلاش برای سرکوب معترضان متهم شده بود. ***(خبرگزاری فرانسه)***

نگاه درون

۷نکته‌درموردپایان فعالیت مسلحانه پ‌ک‌ک

محمدعلی دستمالی

● غروب روز شنبه ۲۹فوریه هیات سه‌نفره‌ای از اعضای حزب «دموکراتیک خلق‌ها» (HDP) پس از آنکه با «عبدالله اوچالان» رهبر زندانی پ‌ک‌ک ملاقات کردند، با «پالچین آک دوغان» معاون نخست‌وزیر و مسوول پرونده مذاکرات صلح و «افغان آلا» وزیر کشور نیز دیدار کردند. «سری ثریا اندر» نماینده استانبول و چهره سیاسی– فرهنگی وابسته به پ‌ک‌ک در بیانیه‌ای که به‌طور زنده از اغلب شبکه‌های تلویزیونی ترکیه پخش شد، از این موضوع خبر داد که اوچالان خواهان پایان‌دادن به فعالیت‌های مسلحانه پ‌ک‌ک شده است. اندر مفاد یک پیشنهادنامه ۱۰آماده‌ای را قرائت کرد که توسط اوچالان نوشته شده است، او همچنین گفت: «جناب اوچالان به پ‌ک‌ک پیشنهاد داده در اوایل بهار آینده با برگزاری کنفره فوق‌العاده، تصمیمات تاریخی مهمی در مورد جایگزین‌کردن مبارزه سیاسی به‌جای فعالیت مسلحانه، اتخاذ شود.» این خبر فقط در عرض چنددقیقه در همه رسانه‌های ترکیه به‌عنوان «دستور اوچالان برای بر زمین‌نهادن سلاح‌ها» بازتاب پیدا کرد و بر خبر مهم «وفات یاشار کمال» رمان‌نویس بزرگ کردتبار ترکیه سایه انداخت. شواهد موجود، نشان‌دهنده واقعیات دیگری است که می‌توان مهم‌ترین این نکات را چنین دسته‌بندی کرد:
۱- اوچالان در پیشنهادنامه خود خواستار آن شده که قانون‌اساسی براساس اشتراکات قومی و تکرر موجود در ترکیه بازنویسی شده و جمهوری دموکراتیک بنا شود. او همچنین خواهان حقوق همسان شهروندی شده و بدون آنکه نامی از کردها ببرد، از ضرورت به‌رسمیت‌شناختن هویت، سخن به میان آورده است. اما اک دوغان در سخنان خود مطلقاً به این موضوع اشاره نکرد که آیا حکومت ترکیه، این پیشنهادها را پذیرفته است یا خیر.

۲- «احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر و «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه یک‌بار دیگر بازی قدیمی «پلیس خوب، پلیس بد» را بازی کردند. داوود اوغلو پیام اوچالان را مهم دانست اما اردوغان گفت: «مهم این است که این گروه تجزیه‌طلب تروریستی، در عمل سلاح‌ها را بر زمین بگذارند. اگر فکر کنند منظور این است که نیروهای نظامی و امنیتی ما سلاح بر زمین بگذارند، این خیال خام است.» اگرچه ادبیات اردوغان، همچون همیشه تند و تیش‌دار بود، اما این حرف او نشان می‌دهد شخصاً امید چندانی به این قضیه ندارد چراکه یک‌ک نشان داده الزام و به‌طور کامل از نظرات اوچالان تبعیت و اطاعت نمی‌کند. به‌عنوان مثال دستور ضرورت عقب‌نشینی و خروج همه نیروهای شاخه نظامی پ‌ک‌ک که توسط اوچالان صادر شده بود، اجرا نشد. درواقع، توپ فعلاً در زمین پ‌ک‌ک است و شورای رهبری این حزب در کوهستان «قندیل» هنوز وعده روشنی در این خصوص نداده است. «مصطفی کاراسو» از اعضای شورای رهبری حزب اعلام کرد: «تمام دلایلی که باعث شده ما سلاح به دست گرفته و به کوه باییم، به قوت خود باقی هستند.» او همچنین اعلام کرده دولت برآمده از حزب «عدالت و توسعه» صرفاً به‌دنبال تعلل و وقت‌کشی است.

۳- دولت داوود اوغلو در مورد مطالبات مهمی همچون به رسمیت‌شناختن کردها در قانون‌اساسی و اعطای حق خودگردانی منطقه‌ای با استانی و ارتقای سطح اختیارات نهادهای محلی همچون شهرداری‌ها، هیچ وعده‌ای به پ‌ک‌ک نداده است. ۴- آتیانه مناطق کردنشین شمال سوریه با ترکیه ارتباط مهمی دارد. از آنجایی که نهادهای اقماری پ‌ک‌ک در هر سه‌منطقه جزیره، کوبانی وعفرین صاحب قدرت شده‌اند، دست اوچالان برای دادن و گرفتن امتیاز در ترکیه بازتر شده است.

۵- براساس آمارهای نهادهای امنیتی ترکیه، پ‌ک‌ک بین پنج تا شش‌هزارنفر نیروی نظامی دارد که غالب این نیروها در کوهستان‌های اقلیم کردستان عراق ساکن شده‌اند. حال مشخص نیست که اگر واقعا همه آنان سلاح بر زمین بگذارند، تکلیف بازگشت آنان چه خواهد شد.

۶- انتخابات سراسری ترکیه در هفتم‌ژوئن سال‌جاری برگزار می‌شود و حزب دموکراتیک خلق‌ها که در حال حاضر در پارلمان ترکیه، ۳۱کرسی از ۵۳۵کرسی را در اختیار دارد، خیز بلند برداشته تا صاحب ۵۵ تا ۶۰کرسی شود. این حزب، خلاف دفعات قبلی که نامزدهای خود را به‌طور مستقل وارد گردونه رقابت‌ها می‌کرد، این‌بار با فهرست مستقل حزبی به میدان می‌آید و براساس قوانین انتخاباتی ترکیه، اگر حداقل ۱۰درصد از کل آرای ماخوذه را به دست نیاورد، در مجلس، حتی صاحب یک‌کرسی نیز نخواهد بود. اگر این حزب در انتخابات آینده، نتواند از مانع حذب‌اب ۱۰درصدی عبور کند، یک‌بار دیگر، تش و خشونت در مناطق کردنشین شرق و جنوب‌شرقی ترکیه بالا می‌گیرد.

۷- بازتاب بسیار گسترده این خبر در رسانه‌های ترکیه و حمایت «فدریکا مگورتنی» مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نشان می‌دهد آشکارا عملاً می‌خواهد پ‌ک‌ک را در برابر عمل انجام‌شده قرار دهد. اما واقعیت آن است حزبی که از سال۱۹۸۴ سلاح به دست گرفته و در حال حاضر در عراق و سوریه در برابر داعش می‌جنگد و امتیازات مهمی به دست آورده، به‌راحتی سلاح بر زمین نمی‌گذارد.